Husband's rights over wife in verse 34 of Surah An-Nisa' based on the comparison of Shia and Sunni interpretations with the interpretation of Al-Mizan

Reyhaneh Sadat Hashemi (shahidi)[1]

Abstract

Reciprocal rights of husband and wife is one of the issues mentioned in Surah An-Nisa 'and Shia and Sunni interpretations have presented common principles in interpreting the verses. Examining the opinions of early commentators until the present age and comparing them with Al-Mizan shows that Allameh Tabatabai's views are different from others, practical and in accordance with the present era. Most commentators have considered the obligation of a woman's obedience to be divine obedience, but Allameh has stated that a woman's obedience to her husband. Protecting the secrets and property of the spouse from the view of majority of commentators and Allameh means protecting the rights of husbands and all the commentators have considered the disobedience of the wife to the husband as one of the duties of the wife. According to the majority of commentators, the three stages of preventing women from disobeying are stated in the Quran based on "admonition", "leave" and "hitting"; In the case of "leave", some commentators have interpreted it as "away from the bed"; while, Allameh Tabatabai and some have considered it to mean "anger and distance". "Beating" is a Mild punishment that affects a woman's emotions and, as a result, makes her obedient and the man has no right to violate the woman if she is affected. This article has organized the views of the commentators on the verses of Surah An-Nisa with the method of library collection and descriptive-analytical method and has compared their views with Allameh Tabatabai.

Keywords: rights, husband, wife, Al-Mizan, Shia interpretations, Sunni, verse 34 of surah An-Nisa.

---

1. Assistant Professor of the Higher Education Institute of Rahpooyan Sayyed al-Shohada (as).
Email: rey.hashemi@chmail.ir.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

حقوق شوهر بر عهده زن در آیه ٣٤ سوره نساء بر اساس مقایسه تفاسیر شیعه و اهل سنت با تفسیر المیزان

ریحانه سادات هاشمی (شهیدی)[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۲۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۵/۲۸)

چکیده

حقوق متقابل زن و شوهر از مسائلی است که در سوره نساء بیان شده و تفاسیر شیعه و اهل سنت اصول مشترکی را ذیل آیات مطرح کرده‌اند. بررسی نظرات مفسران متقدم تا عصر حاضر و مقایسه آنها با المیزان بیانگر آن است که نظرات علامه طباطبایی متمایز از دیگران، کاربردی و منطبق بر عصر حاضر است. بیشتر مفسران وجوب اطاعت زن را اطاعت الهی دانسته‌اند، ولی علامه آن را اطاعت زن از شوهر بیان کرده است. حفظ اسرار و اموال همسر از دیدگاه غالب مفسران و علامه به معنای حفظ حقوق شوهران دانسته شده و تمامی مفسران نافرمانی نکردن زن در مقابل شوهر را جزء وظایف زن دانسته‌اند. سه مرحله بازداری زن از نافرمانی در قرآن طبق نظر غالب مفسران بر اساس «پند و اندرز»، «هجر» و «زدن» بیان شده که در مورد «هجر» برخی مفسران آن را به معنای «دوری از بستر» گرفته‌اند؛ حال آنکه علامه طباطبایی و برخی آن را به معنای «قهر و

۱. استادیار موسسه آموزش عالی رهپویان سیدالشهدا علیه السلام.
رایانامه: rey.hashemi@chmail.ir.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

دوری» دانسته‌اند. «زدن» تنبیهی آرام است که موجب تحت تأثیر قرار گرفتن عواطف زن و در نتیجه فرمان‌برداری وی می‌گردد و مرد در صورت تأثیرپذیری زن، حق هیچ‌گونه تعرضی به زن ندارد. این مقاله با سامان دادن دیدگاه‌های مفسران ذیل آیات سوره نساء با روش گردآوری کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی- تحلیلی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و نظرات آنان را با علامه طباطبایی مقایسه کرده است.

واژگان کلیدی: حقوق، شوهر، زن، المیزان، تفاسیر شیعه، اهل سنت، آیه ۳۴ سوره نساء.

مقدمه

جامعه انسانی از دو جنس متفاوت با یک حقیقت مشترک انسانی تشکیل شده که قرآن از آن خبر داده است (نساء، ۱). اسلام برای حفظ موازنه در زندگی خانوادگی برای هر یک از زن و مرد وظایف و حقوقی قرار داده که در پرتو آنها زندگی اجتماعی سامان یافته و انسان‌ها با دو جنس متمایز تحت سایه خانواده با کمک یکدیگر به تکامل می‌رسند. قرار گرفتن زن و مرد در زندگی خانوادگی مستلزم همکاری و همراهی طرفینی است. قرار گرفتن زن و مرد در خانواده در کنار هم وظایف و حقوقی را برای هر یک از زن و شوهر در پی دارد.

نگرش‌های نواندیشی افراطی، تساوی را به معنی برابری زن و مرد مطرح کرده‌اند؛ پایه‌های فکری این تفکر روش تجربی است و مسائل ماورائی و متافیزیکی در آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته یا انکار شده است. علامه طباطبایی با نگرشی جدید به انسان‌شناسی و ایجاد پیوند بین عالم دنیا و ماوراء، تعریفی جدید از انسان و زن در جامعه انسانی ارائه کرده است. وی زن را در قرآن با نگاهی متفاوت تفسیر کرده و به بررسی آداب و عادات عرب پرداخته و آنها را در عصر حاضر نقد و بررسی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

کرده است؛ همچنین حقوق زن و شوهر را بر اساس امور دنیایی و ماورائی تبیین کرده و تفاوت‌های تشریعی زن و مرد را بر اساس تکوین می‌داند و بر همین اساس نظرات خود را ارائه می‌کند.

خداوند متعال در آیات، بر طرفینی بودن حقوق اجتماعی تأکید کرده و در ازای هر تکلیفی، حقی را ثابت می‌کند؛ و ائمه نیز بر همین اساس مبانی اسلام را با روایات تبیین کرده‌اند و عدالت را زیربنای حقوق و تکالیف قرار داده‌اند؛ بنابراین مبانی اسلام بر اساس عدالت و نه تساوی است و همین امر موجب تفاوت حقوق و وظایف زن و مرد می‌شود. این مقاله در صدد دستیابی به نظرات برخی مفسران متقدم از قرن دوم تا عصر حاضر پیرامون آیه ۳۴ سوره نساء بوده که با توجه به گرایش‌های مختلف تفاسیر، از گرایش‌های روایی، لغوی و اجتهادی استفاده شده و در صدد مقایسه آنها با نظرات علامه طباطبایی برآمده است.

تفسیرهایی که در این راستا بر اساس قرن مورد بررسی قرار خواهند گرفت، عبارت‌اند از: مقاتل بن سلیمان (شیعه) در قرن ۲؛ تفسیر قمی (شیعه) در قرن ۳؛ جامع البیان (اهل سنت) در قرن ۴؛ تبیان (شیعه) در قرن ۵؛ مجمع البیان (شیعه) در قرن ۶؛ کشاف (اهل سنت) در قرن ۶؛ مفاتیح الغیب (اهل سنت) در قرن ۷؛ الجامع لاحکام القرآن (اهل سنت) در قرن ۷؛ منهج الصادقین (شیعه) در قرن ۱۰؛ الدر المنثور (اهل سنت) در قرن ۱۰؛ فیض کاشانی (شیعه) در قرن ۱۱؛ الوجیز (شیعه) در قرن ۱۲؛ البرهان (شیعه) در قرن ۱۲؛ نور الثقلین (شیعه) در قرن ۱۲؛ روح المعانی (اهل سنت) در قرن ۱۳؛ مراغی (اهل سنت) در قرن ۱۴ و تفسیر نمونه (شیعه) در قرن ۱۴. مطالب این تفاسیر بر اساس نکات ادبی، لغوی، روایی و اجتهادی با المیزان مقایسه و نتیجه‌گیری خواهد شد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مفهوم شناسی

حق در لغت به معنای مطابقت و موافقت (راغب، ۱۳۱۲، ذیل واژه مورد نظر)، مطابقت و وقوع شیء در محل خویش است (طریحی، ۱۳۷۵، ذیل واژه مورد نظر) که در تمام مصادیق آن قابل تطبیق است (قرشی، ۱۳۷۸، ذیل واژه مورد نظر)؛ و در اصطلاح فقه نوعی سلطنت است که گاهی مورد و متعلق آن عین است؛ مانند حق تحجیر و حق رهن و گاهی غیر آن؛ مثل حق خیار که متعلق آن عقد است؛ و زمانی متعلق حق شخص است؛ مانند حق قصاص و حق حضانت و حق قسم (جابری عربلو، ۱۳۶۲، ص۸۷).

کلمه «حق» در مقابل «باطل» به طور کلی به معنای امر ثابتی است که در خارج واقع شده است. حق در عالم تکوین مثل زمین و انسان است که خداوند متعال آنها را در عالم هستی حق قرار داده است و حق در عالم تشریع عبارت است از هر امری که در حد نفس خودش ثابت باشد که از جمله آنها حقوق مالی و سایر حقوق اجتماعی است؛ از این حیث که در نظر اجتماع امری ثابت است. قرآن هر امری را حق نمی‌داند؛ مگر آنچه را خدا حق دانسته و در عالم ایجاد یا تشریع آن را ثابت کرده است؛ بنابراین حق در عالم تشریع یا ظرف اجتماع دینی، آن چیزی است که خدا آن را حق قرار داده است، مثل حقوق مالی یا حقوق برادران یا حقوق والدین بر فرزند... (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۲۲۵/۱)؛ بنابراین به امور اجتماعی به طور تکوینی حق گفته نمی‌شود؛ بلکه بر اساس تعیین خداوند متعال حق قرار می‌گیرد و مخالف آن مصداق باطل می‌شود؛ همچون مالی که به لحاظ تکوین ممکن است به انسانی تعلق بگیرد، ولی خداوند متعال آن مال را در اختیار فردی خاص مثل امام به عنوان خمس، یا همسر به عنوان نفقه یا مهریه قرار می‌دهد. قرار گرفتن این مال در جایی که خدا مقرر کرده، حق است و خلاف آن مصداق باطل در تشریع خواهد بود؛ بنابراین آنچه در این مقاله اصل قرار گرفته، آن امری است که توسط خداوند متعال حق قرار گرفته و مفسران بر اساس روایات آنها را تبیین کرده‌اند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

تعریف مستقلی برای «حق زن و شوهر» در کتاب‌های مصطلحات ارائه نشده است؛ اما در کتاب‌های فقهی حقوق این دو بر یکدیگر در کنار هم تعریف شده است که از آن جمله وجوب حفظ وظایف همسری هر یک از زن و شوهر بر یکدیگر است که باید حقوق همدیگر را رعایت کنند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۷۳۷/۴).

پیشینه حقوق زن و شوهر

حقوق متقابل زن و شوهر از جمله حقوقی است که پس از عقد ازدواج بین زوجین بر اساس قوانین شرع ایجاد می‌شود. خداوند متعال این حقوق را بر اساس فطرت و غرایز انسانی قرار داده تا هر یک از زن و مرد با همیاری یکدیگر به کمال مطلوب برسند. در این راستا زن و شوهر حقوقی بر گردن یکدیگر دارند که این حقوق در حیطه‌های مختلف اخلاقی، حقوقی و شرعی مطرح شده‌اند و کتاب‌ها و مقالات زیادی درباره آن‌ها نگاشته شده است. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء است که پرداخت نفقه، مهریه و حسن معاشرت از جمله حقوق زن بر عهده شوهر است که در مقاله‌ای جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و این مقاله در صدد بررسی حقوق شوهر بر زن بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء است. در این رابطه مقالاتی از جمله «حقوق زن از منظر قرآن و قانون مدنی ایران» اثر زهره دهخدا[۲] نگاشته شده که با نگاه فقهی- حقوقی بررسی گردیده و «حقوق و وظائف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن» اثر رضا دهقان نژاد و حسین بستان[۳] به صورت کلی این حقوق را در قرآن بررسی کرده است. مقاله «حقوق و وظایف متقابل

۲. دهخدا، زهره، «حقوق زن از منظر قرآن و قانون مدنی ایران»، مجله بانوان شیعه، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۲، صص۱۴۷- ۱۶۴.

۳. دهقان، نژاد رضا و بستان، حسین، «حقوق و وظائف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن»، مجله مطالعات قرآنی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۳۲، صص۲۹- ۵۸.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

زن و شوهر» اثر محبوبه جوکار[۴] فلسفه تفاوت‌های حقوقی زوجین را با نگاهی درون‌دینی (آیات و روایات و فقه اسلامی) بر اساس نظرات فقها و حقوق‌دانان و نگرشی برون‌دینی (روان‌شناسی) بررسی کرده است. مقاله «حقوق زن و مرد و آیه «واضربوهن»» اثر مرتضی مطهری شامل سخنرانی شهید مطهری پیرامون آیه ۳۴ سوره نساء است که بیشتر پیرامون شبهات مطرح‌شده به بخش «واضربوهن» پرداخته است.[۵]

این مقاله در نظر دارد، حقوق شوهر بر زن را بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء به صورت تطبیقی در تفاسیر شیعه و اهل سنت بررسی کرده و آن را با نظرات علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه به میزان سنجش گذاشته و با مبانی انسان‌شناسی علامه طباطبایی به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد.

حقوق شوهر بر زن

یکی از لوازم زندگی زناشویی هماهنگی و همراهی زن و شوهر در امور زندگی است. خداوند برای ایجاد این هماهنگی مسئولیت‌ها و وظایف را طبق توانایی‌های هر یک از زن و شوهر تقسیم کرده است و این امر را به طور صریح در قرآن ذکر نموده و فرموده: «**الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ وَ اللاَّتِي تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلِيًّا كَبِيراً**؛ مردان بر زنان قیمومیت و سرپرستی

۴. جوکار، محبوبه، «حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، بهار ۱۳۹۰، شماره ۸، صص۷۹- ۱۱۶.

۵. مطهری، مرتضی، «حقوق زن و مرد و آیه «و اضربوهن»»، فصلنامه تماشاگه راز، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱، صص۹- ۲۶.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر این که مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند، پس زنان صالح و شایسته باید فرمان‌بر شوهران در کام‌گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند، همان‌طور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده و زنانی را که بیم دارید نافرمانی‌تان کنند، نخست اندرز دهید، اگر به اطاعت درنیامدند، با آنان قهر کنید و در بستر خود راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بزنیدشان، اگر به اطاعت درآمدند، دیگر برای ادامه زدنشان بهانه‌جویی مکنید و به خاطر برتری که خدا به شما داده مغرور نشوید، که دارنده علو و بزرگی خدا است» (نساء، ۳۴).

بر اساس آیه شریفه مرد با توجه به توانایی‌های فکری و جسمی، به عنوان «قوّام» معرفی شده و مسئول سرپرستی امر خانوار گردیده و این مسئولیت بنا بر عبارت «بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» به دلیل فضیلت‌هایی است که خداوند متعال به مردان عنایت فرموده و بر این اساس مردان باید امور سنگین و طاقت‌فرسا به خصوص کارهای بیرون خانه را به عهده گرفته و مخارج زنان را عهده‌دار شوند؛ این امور به عنوان وظیفه به عهده شوهران قرار داده شده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۳۷۰/۳) و در حقیقت معاوضه (مراغی، ۱۹۸۵، ۲۷/۵) و مقابله‌ای است که بین وظیفه و حقوق واقع می‌شود.

در مقابل زن که موجودی احساسی و عاطفی است و معمولاً در زندگی با ظرافت به امور می‌نگرد، شایسته کارهای سبک و عاطفی است که معمولاً این‌گونه کارها به درون خانه و تعامل با اعضای خانواده مربوط است. این تقسیم‌بندی در مقابل حقوقی که زن بر عهده شوهر دارد، به صورت موازنه حقوق و تکلیف، حقوقی را بر زن واجب می‌کند که شامل وجوب اطاعت از همسر، حفظ اسرار و عدم نافرمانی (وجوب خوش‌رفتاری) تعیین شده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱. وجوب اطاعت از همسر

خداوند متعال اطاعت از همسر را یکی از مسئولیت‌های زنان قرار داده که به واسطه سرپرستی مرد و قوامیت او بر زن حاصل می‌شود. این امر مطابق با فطرت انسانی زن و مرد است، زیرا غالب مردان نیازمند ریاست و اکثر زنان نیازمند محبت می‌باشند که این دو مکمل یکدیگر بوده و تعامل آنها موجب حفظ تعادل در زندگی شده و استحکام زندگی را در پی خواهد داشت.

خداوند متعال با عبارت «**فَالصَّالِحاتُ قانِتات**؛ زنان درستکار، فرمان‌بردارند» (نساء، ۳۴) به اطاعت زنان صالح از همسرانشان اشاره کرده است و آن را نشانگر خوب و شایسته بودن زنان بیان کرده و با اضافه شدن «ال» بر «صالحات» همه زنان صالح را تحت عمومیت خویش قرار داده و شایستگی آنان را به قنوت و اطاعت مقید کرده است.

غالب مفسران «الصَّالِحات» را به دلیل روشن بودن معنا نکرده‌اند، برخی مفسران از جمله مقاتل بن سلیمان، ملا فتح‌الله کاشانی، فیض کاشانی، حقی بروسوی، بحرانی حسینی، ابی جامع العاملی و مراغی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۳۷۱/۱؛ ملا فتح الله کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۷/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۹ق، ۲۳۳/۲؛ حقی بروسوی، ۱۹۸۵، ۲۰۲/۲؛ حسینی بحرانی، ۱۴۱۵، ۷۳/۲؛ ابی جامع العاملی، ۱۴۱۳، ۳۱۱/۱؛ مراغی، ۱۹۸۵، ۲۸/۲) «قانتات» را به معنای «مطیع و فرمان‌بر بودن» دانسته‌اند؛ همچنین ملا فتح‌الله کاشانی (ملا فتح الله کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۷/۳)، حقی بروسوی (حقی بروسوی، ۱۹۸۵، ۲۰۲/۲) آن را به معنای «شایسته و صلاح» گرفته‌اند. علامه طباطبایی آن را به «لیاقت نفس و پاکروانی» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۴۴/۴) معنا کرده است؛ این معنا بیانگر آن است که بانوان از نظر ماهوی دارای دو ساحت مجرد و مادی بوده و از حیث تجرد نفس (رحیمی خوزوقی و سپهری، ۱۳۹۷، ۱۰۳) در مسیر کمال می‌توانند لیاقت نفس و پاکروانی را انتخاب کرده و در بُعد رفتار فردی و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

اجتماعی با انتخاب راه فطرت و با استفاده از آموزه‌های وحیانی، موجبات تربیت خود، فرزندان و خانواده را عهده‌دار شده و زمینه‌های جامعه توحیدی را فراهم سازند.

علامه طباطبایی از مقابله «فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللَّه» در برابر «وَ اللَّاتِی تَخافُونَ نُشُوزَهُن» استفاده کرده که در اینجا مراد از «الصَّالِحات» مطلق زنان نیست؛ بلکه منظور زنان ازدواج‌کرده هستند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۴۴/۴). با توجه به اینکه انسان دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و صلاح از حیث مجرد بودن به اصل ذات برمی‌گردد (رحیمی خوزوقی و سپهری، ۱۳۹۷، ۹۲ و ۱۰۳)، صالح بودن زنان ازدواج‌کرده از آنجا در حقوق زن و شوهر اهمیت می‌یابد که صلاحیت جنس مؤنث پس از ازدواج موجب تربیت نسل صالح خواهد شد.

زمخشری «قنوت» را انجام دادن حقوقی دانسته که به عهده زنان است (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱). سیوطی با بیان روایاتی شایستگی زنان را در صلاح و مطیع بودن زن و خوش‌خلقی و ... دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲/ ۱۵۱– ۱۵۴). قرطبی صالح بودن همسر را به قیام به حق شوهر دانسته (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۱۷۰/۵) و آلوسی صفت قنوت و اطاعت را یکی از حالات صلاح زنان دانسته است که صفت صلاح منشأ باقی صفات است؛ زیرا کسی که اطاعت از خدا و به تبع آن اطاعت از همسر را سرلوحه اعمال خویش قرار دهد، می‌تواند به تمامی وظایف خود عمل کند (آلوسی، ۱۴۰۵، ۲۴/۵).

فخر رازی «قنوت» را به اطاعت خدا و همسر عمومیت داده است (فخر رازی، ۱۴۱۱، ۷۱/۱۰)؛ هرچند عدم اطاعت خدا همواره ملازم با نشوز نیست؛ مگر اینکه عدم اطاعت الهی را همان عدم اطاعت شوهر بدانیم. طبرسی «صلاح» را به ثبات در دین دانسته و «قنوت» را به قیام به اطاعت الهی دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۹، ۴۲/۲)؛ بنابراین وی در این زمینه با فخر رازی در اطاعت زن در مطیع بودن نسبت به خداوند متعال هم‌نظر است. شیخ طوسی، فخر رازی و علامه طباطبایی اطاعت و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

خضوع دائم زن را نشانه «قنوت» زن دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۸/۱– ۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۶۶/۴)؛ بنابراین طبق نظر علامه طباطبایی تداوم صلاح زن در مسیر حرکت استکمالی در سه حیطه نگرش، گرایش و رفتار (رحیمی خوزوقی و سپهری، ۱۳۹۷، ۹۳) موجب نهادینه شدن صفت صلاح شده و قنوت وی را در پی دارد که این امر از حیث نگرش در مبانی ادراک و اندیشه اثر گذاشته و از حیث گرایش موجب بقاء و کمال انسانی شده و در نگرش توحیدی نمود پیدا می‌کند و از حیث رفتاری در حیطه فردی بر رفتار طرفینی زن و شوهر اثر گذارده و از حیث اجتماعی، ثمره آن در فرزندان و خانواده و جامعه توحیدی نمود پیدا می‌کند.

آیت الله مکارم زنان را به دو دسته صالح و ناسازگار تقسیم کرده و افراد صالح را آنان دانسته که در برابر نظام خانواده خاضع و متعهد باشند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸، ۴۱۳/۳). این عمومیت، فراتر از شایستگی زن در برابر همسر در نظر گرفته شده و شامل کل نظام خانواده شده است؛ بنابراین سایر افراد خانواده را در برمی‌گیرد.

در تفاسیر ذکرشده بنا بر آیه شریفه «**فَالصَّالِحاتُ قانِتات**» (نساء، ۳۴) اطاعت زن از شوهر، نشانه شایستگی همسر بیان شده و تنها علامه طباطبایی و فخر رازی آن را به معنای امر به اطاعت زن از همسر گرفته که امر به صورت توصیف بیان شده است. گویا خداوند متعال در عبارت «**فَالصَّالِحاتُ قانِتات**» (نساء، ۳۴) خواسته ضمن احترام به جایگاه زن، به صورت غیرمستقیم ویژگی‌های زن شایسته را بیان کند؛ زیرا بیان غیرمستقیم مؤثرتر از بیان حکمی به صورت الزامی است و این موجب می‌شود تا زنان، خود به دنبال این ویژگی رفته و در صدد اصلاح خویش برآیند.

بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی، انسان دارای حرکت استکمالی است و بنا بر اینکه قوامیت مردان طبق نظر علامه در آیه ۳۴ سوره نساء اطلاق داشته و عموم مردان و زنان را در برمی‌گیرد؛ ولی در ادامه آیه این اطلاق به زن و شوهر مقید

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

می‌شود و حفظ غیب را بیان مصداق و جزئی از جزئیات کلی بین زن و شوهر بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۴۳/۴– ۳۴۴)؛ بنابراین اساس زندگی مشترک بر سعادت دنیوی و اخروی بنا شده و صلاحیت زن در زندگی کنار قوامیت مرد، موجب تکامل هر دو و جامعه گردیده و موجبات بقاء و تداوم نسل صالح را در پی دارد.

۲. حافظ اسرار

یکی از صفات نیک زنان در قرآن، حفظ غیب و اسرار همسر است که خداوند متعال با عبارت «**حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللَّه**؛ به پاس آنچه خدا حفظ کرده، اسرار را حفظ می‌کنند» (نساء، ۳۴) آن را بیان کرده است. «غیب» هر چیزی است که ظاهر و آشکار نباشد (راغب، ۱۴۱۲، ۶۱۶).

مفسران مراد از «**حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ**» (نساء، ۳۴) را حفظ زن دانسته‌اند که شامل حفظ ناموس و خیانت نکردن زن به همسر در غیاب او، حفظ اموال (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۶۶/۴؛ مقاتل، ۱۴۲۳، ۳۷۱/۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ۳۸/۵– ۳۹؛ قمی، ۱۳۶۳، ۱۳۷/۱؛ طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ۴۲/۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ۴۲/۱؛ فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۹/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۵۲/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۹، ۲۳۳/۲؛ حقی بروسوی، ۱۹۸۵، ۲۰۲/۲؛ حسینی بحرانی، ۱۴۱۵، ۷۳/۲؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۲۴/۵؛ مراغی، ۱۹۸۵، ۲۸/۲؛ ابی جامع العاملی، ۱۴۱۳، ۳۱۱/۱؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸، ۴۱۳/۳) دانسته‌اند و برخی حفظ اسرار (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱؛ حسینی بحرانی، ۱۴۱۵، ۷۳/۲؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۵/ ۲۴؛ ابی جامع العاملی، ۱۴۱۳، ۳۱۱/۱)، اولاد (ملا فتح الله کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۷/۳)، ادای امانت و ... را نیز افزوده‌اند. علامه حفظ غیب را به خیانت نکردن به شوهر هنگام نبود او دانسته، مبتنی بر اینکه بسترش را برای دیگری نگستراند و بهره خاص همسر را به دیگری نداده و نسبت به اموال همسر، امور خانه و زندگی مشترک خیانت نورزد (طباطبایی،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱۳۷۲، ۳۴۴/۴)؛ بنابراین علامه حفظ غیب را نسبت به حفاظت زن از امور مربوط به همسر و خانه دانسته که این تفسیر بر اساس سیاق آیه به قرینه اینکه در مقابل «**الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساء**» (نساء، ۳۴) آمده است، شامل حفظ غیب زن در مقابل حقوق شوهر است؛ هرچند وجود «ال» بر سر «غیب» عمومیت را می‌رساند که تمامی امور مربوط به همسر را در برمی‌گیرد؛ ولی چنانچه این بخش آیه مستقل در نظر گرفته شود، شامل تمامی غیب‌ها اعم از مربوط به همسر و خانواده و غیر آن می‌گردد.

بنابراین زنان نیکوکار طبق آیه شریفه «**فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللَّه**» (نساء، ۳۴) زنان صالح و شایسته‌ای هستند که همواره مطیع امر الهی هستند و به خصوص در امور مربوط به زندگی مشترک زناشویی به بهترین نحو عمل می‌کنند. بر اساس روایات، جهاد زنان در خانه نیکو همسرداری کردن است. «**جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّل**» (حویزی عروسی، ۱۴۱۵، ۵۲۲/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶۳/۲۰) در همین راستا زن باید در حضور و غیبت شوهر حافظ زندگی مشترک بوده و به عنوان یک معاون در هنگام نبود همسر، زندگی را اداره کند و خواسته‌های همسر را در حد امکان و تا زمانی که با احکام دین مخالف نیست، به اجرا درآورد.

علامه طباطبایی بر اساس اینکه انسان محکوم به نظام سنن الهی است و این حکم یکی از سنت‌های الهی مربوط به شئون زوجیت و کیفیت معاشرت منزلی است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۴۵/۴)، اطاعت زن از شوهر را واجب دانسته؛ زیرا جامعه بشری بر اساس هدایت فطری و وحیانی به کمال خواهد رسید و خداوند متعال بر اساس فطریات، افراد را حافظ اسرار قرار داده و در این آیه بانوان را به طور خاص به صفت حفظ سر ستوده و این صفت بیانگر لزوم حفظ سر از سوی زنان است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

بنا بر آیه شریفه، خداوند حفظ غیب توسط زن را به واسطه حفظ الهی بیان کرده که با عبارت «بِما حَفِظَ اللَّهُ: به پاس آنچه خدا حفظ کرده» بیان شده و مفسران در مورد حفظ الهی نظرات مختلفی بیان کرده‌اند، برخی «ما» را مصدریه (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۶۶/۴؛ فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۹/۱۰) به معنای «حفظ کردن» و بعضی «موصوله» (فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۹/۱۰) به معنای «آنچه حفظ کرده» گرفته‌اند. «اللَّه» در قرائت مشهور به صورت مرفوع و به عنوان فاعل بیان شده است؛ ولی عده‌ای آن را به صورت منصوب و به عنوان مفعول بیان کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱).

حفظ الهی در «بِما حَفِظَ اللَّه» را غالب مفسران مربوط به حفظ زنان دانسته که حقوق ایشان توسط شوهران، به واسطه پرداخت مهریه (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱) و نفقه (طبرسی، ۱۳۷۹، ۴۲/۲؛ ملا فتح الله کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۷/۳) حفظ می‌شود، یا اینکه زنان به واسطه حفظ الهی در اداء امانات همسران حافظ غیب قرار گرفته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱). علامه طباطبایی این معنا را ظاهرتر گرفته که خداوند حقوق مردان را حفظ کرده، به واسطه اینکه سرپرستی زنان را به مردان واگذار نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۶۶/۴). شاید بتوان گفت: فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۱۱، ۸۹/۱۰) نیز تعبیری نزدیک به همین معنا دارد و ملا فتح‌الله کاشانی (ملا فتح الله کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۷/۳) با گرفتن «باء» برای مقابله همین معنا را استفاده کرده است. با توجه به اینکه انسان از لحاظ فطری گرایش به بقاء دارد، این گزینش علامه طباطبایی می‌تواند بر اساس گرایش‌های انسانی در حفظ نوع و کمال باشد که در این راستا زنان موظف به حفظ حقوق مردان شده‌اند و این حفاظت در مقابل انجام وظیفه مردان در سرپرستی و مخارج زنان قرار گرفته‌است، هرچند می‌تواند این حفظ دوجانبه بوده و حفظ حقوق مردان و زنان را توسط خداوند متعال شامل شود.

خداوند زنان را پوشاننده نقایص و عیوب مردان و مردان را پوشاننده نقایص و عیوب زنان قرار داده است «**هُنَّ لِباسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُن**؛ آنان برای شما لباسی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

هستند و شما برای آنان لباسی هستید» (بقره، ۱۸۷)؛ بنابراین زنان همچنان که در حضور همسر محافظ اموال و اسرار ایشان هستند، باید بر اساس آیه «**حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ**» (نساء، ۳۴) در غیبت ایشان نیز حافظ ناموس و اموال همسر بوده و در نبود ایشان همچون حضور ایشان مداومت بر حفاظت اسرار ایشان داشته باشند؛ این توفیق از جانب خداوند متعال است «**بِما حَفِظَ اللَّه**» (نساء، ۳۴) به واسطه اینکه خداوند به شوهران سفارش ایشان را نموده و ایشان تحت حفاظت الهی حقوق شوهران را رعایت می‌کنند و در پرتو عنایت الهی حقوق طرفین محفوظ مانده و محافظت می‌شوند.

۳. برتری‌طلبی نکردن (وجوب خوش‌رفتاری)

زن در محیط خانه مایه سکونت و آرامش است و وظیفه دارد برای ایجاد محیطی امن، همواره معاشرت و برخوردی نیکو با همسر خود داشته باشد؛ ولی چنانچه به وظیفه خود عمل نکرد و خواستار برتری‌طلبی در منزل شد یا از شواهد چنین برمی‌آمد که زن به دنبال سرپیچی و آشوب در منزل است، اسلام با ارائه راه‌حل‌هایی در صدد رفع این مشکل برآمده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «**وَ اللاَّتی تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَکُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِیلاً إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلِیًّا کَبِیراً**؛ و زنانی را که بیم دارید نافرمانی‌تان کنند، نخست اندرز دهید، اگر به اطاعت درنیامدند، با آنها قهر کنید و در بستر خود راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد، بزنیدشان اگر به اطاعت درآمدند دیگر برای ادامه زدنشان بهانه‌جویی مکنید و به خاطر برتری که خدا به شما داده مغرور نشوید، که دارنده علوّ و بزرگی خدا است» (نساء، ۳۴).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

واژه «خوف» در لغت به معنای انتظار امر ناخوشایند با نشانه‌ای ظنی یا معلوم است (راغب، ۱۴۱۲، ۳۰۳)؛ اما در آیه شریفه بر اساس قرائن مفسران معانی مختلفی ارائه نموده‌اند که حکایت از علم (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ۴۲/۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ۳۹/۵) یا ظن و گمان (طبری، ۱۴۱۲، ۳۹/۵) است؛ یعنی مراد از ترس خود ترس نیست؛ بلکه ترسی است که ناشی از علم و یقین یا گمان بر نشوز و سرپیچی زنان است.

واژه «نشوز» از ریشه «نشز» در لغت به معنای «ارتفاع و بلندی» (راغب، ۱۴۱۲، ۸۰۶) است که از «ارتفاع و برتری‌طلبی» (طبری، ۱۴۱۲، ۳۹/۵– ۴۰) گرفته شده است که اصل آن را از «انزعاج» به معنای «تشویش و ناراحتی» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱– ۵۰۷) و برخی به معنای «ناخشنود بودن» (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۷۱/۵) دانسته‌اند. غالب مفسران «نشوز» را به معنای عصیان، سرپیچی و نافرمانی ناشی از برتری‌جویی زن گرفته‌اند که به معنای عصیان و سرپیچی ناشی از تکبر (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۵۴۵/۴) است.

واژه «وعظ» در لغت به معنای «بازداشتن همراه با ترساندن» (راغب، ۱۴۱۲، ۸۷۶) است که غالب مفسران «عِظُوهُنَّ» را به عنوان پند و نصیحت زبانی گرفته‌اند.

«وَ اهْجُرُوهُنَّ» از ریشه «هجر» در لغت به معنای «جدایی انسان از دیگری با بدن یا زبان یا قلب» (راغب، ۱۴۱۲، ۸۳۳) است. در آیه شریفه «وَ اهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضاجِعِ» به معنای «دوری کردن در بسترها» ست که از عبارت «فی» در آیه شریفه فهمیده می‌شود که با بودن در بستر با زنان نزدیکی نکنند یا به آنها پشت کنند.

برخی دوری از همسر در نزدیکی و بستر (ابی جامع العاملی، ۱۴۱۳، ۳۱۱/۱) و کلام را قائل شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ قرطبی، ۱۹۸۵، ۱۷۱/۵– ۱۷۲؛ ملا فتح الله کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۷/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۵۵/۲) و زمخشری آن را کنایه از عدم جماع گرفته؛ هرچند بیانی از دیگران آورده مبنی بر اینکه آنان را به جماع وادار

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

کنید و ایشان را ببندید ولی خود، این معنا را ناپسند شمرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۱- ۵۰۷).

برخی مفسران (علی بن ابراهیم قمی، ۱۳۶۳، ۱۳۷/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۷۱/۵، حسینی بحرانی، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۲) قائل به «هجر کلام» به معنای «سخن زشت گفتن» شده‌اند که بر اساس مبانی اسلامی قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً خداوند متعال سب و دشنام را در قرآن، امری ناپسند معرفی کرده است (انعام، ۱۰۸) و ثانیاً این قول با توجه به قرینه «فی المضاجع: در بسترها» سازگاری ندارد؛ مگر اینکه در فرهنگی این امر پذیرفته‌شده باشد و این امر موجب ترک نشوز زن شود یا منظور ترک هم‌صحبتی در بستر باشد.

علامه طباطبایی ظهور آیه را در این معنا دانسته‌اند که مرد ضمنِ حضور در یک بستر با زن، با پشت کردن به او، ترک ملاعبه و امثال آن از زن دوری گزیده و بدین وسیله هجر در بستر محقق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۵۴۶/۴). برخی مفسران نیز همین معنا را برگزیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۹، ۴۲/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۹، ۲۳۳/۲؛ مراغی، ۱۹۸۵، ۲۸/۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸، ۴۱۳/۳). برخی دیگر از مفسران مراد از «هجر در بستر» را «ترک هم‌بستری» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۲۷۱/۱؛ حقی بروسوی، ۱۹۸۵، ۲۰۲/۲؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۲۴/۵- ۲۵) دانسته‌اند که علامه معانی «هجر در بستر» به معنای «ترک هم‌بستری» (همان) را بعید دانسته است؛ چراکه لفظ «مضاجع» به صورت جمع آمده است و کثرت در بستر از لحاظ ظاهری با معنای دوم سازگاری ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۵۴۶/۴). این نظر علامه طباطبایی بر اساس مبانی اندیشه انسانی در دو ساحت نظری و عملی، از حیث عمل در حیطه اعتبارات اجتماعی قرار می‌گیرد (رحیمی خوزوقی و سپهری، ۱۳۹۷، ۱۰۳) که برای حفاظت از نظام خانواده لازم است، احساسات زن کانون توجه قرار گرفته و با تحت الشعاع قرار دادن آن به شکل‌های مختلف و گاه بروز واکنش‌های منفی از طرف شوهر، می‌بایست مانع ازهم‌گسیختگی نظام خانواده شد. با توجه به اینکه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

بانوان در مآخذ ادراکی از احساسات قوی‌تری نسبت به مردان برخوردارند، هنگام مواجهه با کنش‌های بازدارنده مردان، واکنش‌های احساسی از خود نشان داده و در صدد اصلاح روابط زناشویی برمی‌آیند.

«نصیحت کردن» و «دوری کردن در بستر» مرحله برخورد زبانی و عملی بدون واکنش شدید از طرف مرد است که ضمن رعایت حرمت زن، او را وادار به انجام وظایف می‌کند؛ ولی چنانچه این مراحل مؤثر واقع نشد، نوبت به برخورد شدیدتر می‌رسد که همراه با نوعی واکنش عملی است. قرآن از این مرحله با عبارت «وَاضْرِبُوهُن» تعبیر آورده که به معنای «زنان را بزنید» است. این عبارت قرآن با روایات تفسیر شده و بسیاری از شبهاتی که در این رابطه مطرح شده را پاسخ می‌گوید، مبنی بر اینکه این زدن بعد از تأثیر نبخشیدن دو مرحله پیشین یعنی «نصیحت کردن» و «دوری کردن در بستر» است و در حدی است که نباید آسیبی به بدن رسیده و زخم و کبودی برجای گذارد.

علامه طباطبایی به تدریجی بودن این سه مرحله قائل بوده که بر اساس سیاق این امر فهمیده می‌شود، نه به واسطه حرف عطف «واو»، هرچند فخر رازی نیز همین نظر را اختیار کرده ولی علت ترتیب را بیان نکرده است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۶۷/۴؛ فخر رازی، ۱۴۱۱، ۹۰/۱۰). آلوسی ترتیب را به سیاق و قرینه عقلی نسبت داده است و ترتیب را به واسطه «فاء یا واو» نمی‌داند (آلوسی، ۱۴۰۵، ۲۵/۵). چنانچه زن در هر کدام از این مراحل به حالت عادی بازگشت و راه اصلاح در پیش گرفت و از شوهر اطاعت کرد، مرد حق ندارد بر او ظلم و ستم روا دارد. علامه طباطبایی بر اساس مبانی ادراکی انسان، سه راه حل مشکل نشوز زن را به حسب طبع دانسته و مجازاتی را که خدا برای زن قرار داده، از درجه ضعیف به قوی معرفی کرده است تا با اصلاح رفتار فردی زن، موجبات اصلاح کانون خانواده فراهم آید.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در عبارت «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلا» (نساء، ۳۴) مراد از «فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلا» را مفسران به معانی متعددی گرفته‌اند: از جمله به معنای «اذیت همراه باطل» (طبرسی، ۱۳۷۹، ۲/ ۴۲)، «توبیخ همراه با اذیت» (حقی بروسوی، ۱۹۸۵، ۲/ ۲۰۲؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۲۵/۵؛ ابی جامع العاملی، ۱۴۱۳، ۳۱۱/۱)، «آسیب رساندن» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۳۷۴/۱)، «ظلم کردن» (طبری، ۱۴۱۲، ۴۵/۵)، «طلب کردن» (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۲۵/۵)، «جنایت کردن» (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۷۳/۵)، «زدن و دوری از راه سخت گرفتن» (قرطبی، ۱۹۸۵/۱۴۰۵، ۱۷۳/۵) دانسته‌اند. علامه طباطبایی آن را به معنای «بهانه‌گیری برای اذیت نمودن» گرفته که بر این اساس مردان نباید دنبال بهانه‌گیری بوده و پس از اطاعت زن نسبت به او ظلم و ستمی روا دارند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۳۶۷/۴). این بیان علامه حاکی از بینش انسان‌شناسانه ایشان نسبت به زن بوده که در این راستا هرچند زن و مرد از منظر طبیعی و از لحاظ اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند (باستانی و حیدرزاده، ۱۳۹۲، ۳)، ولی از لحاظ خلقت وجودی مشابه یکدیگر بوده و در شأن و شخصیت انسانی با یکدیگر تفاوتی ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۳۴/۴)؛ بنابراین این تفاوت طبیعی هرچند موجب اختلاف حقوقی می‌شود، ولی موجب تضییع حقوق انسانی نمی‌گردد؛ بلکه در روندی تکاملی وظایف و حقوق زن و مرد نسبت به یکدیگر به گونه‌ای تنظیم می‌شود که مرد ضمن نصیحت و اصلاح حال زن، چنانچه با روند اصلاحی از سوی زن واقع شد، حق هیچ‌گونه تعرضی نسبت به وی نداشته باشد؛ به همین دلیل خداوند متعال در انتهای آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلِيًّا كَبِيرا؛ خدا والای بزرگ است» هر یک از مفسران از انتهای آیه به شکلی برداشت و تفسیر نموده‌اند. علامه طباطبایی گفته است: «مبادا توانایی و نیرومندی‌تان شما را مغرور کند و به واسطه بزرگی و برتریان ظلم کنید» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۴/ ۳۶۷).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در اینجا که خداوند به مردان حق تسلط بر زنان را عطا کرده، از سویی به آنان هشدار می‌دهد که نباید از موقعیت خود سوء استفاده نموده و باید جایگاه انسانی خود را نسبت به خداوند متعال در نظر بگیرند تا مبادا حقیقت ماهوی انسان، موجب فراموشی حقیقت وجودی او شود، در حالی که انسان از حیث وجودی عین فقر و ربط به حق تعالی است.

طبری «برتری (قدرت) خدا بر مردان نسبت به برتری (قدرت) مردان بر زنان» را به رخ مردان کشیده تا نسبت به زنان ظلم نکنند (طبری، ۱۴۱۲، ۴۰/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۹، ۲۳۳/۲؛ ابی جامع العاملی، ۱۴۱۳، ۳۱۱/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۰۷/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۷۴/۵). شیخ طوسی و طبرسی «بلندمرتبگی خدا را در ایجاد تکلیف بیش از طاقت بندگان» در نظر گرفته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ۴۲/۲).

بیشتر مفسران در قسمت پایانی آیه، معنایی نزدیک به معنای مورد نظر علامه را مبنی بر «مغرور نشدن بر قدرت مردان و عدم ظلم بر زنان» بیان کرده‌اند.

با توجه به انتهای آیه و روایات روشن می‌شود که «پند، دوری از بستر و زدن» تنها برای جلوگیری از نافرمانی زنان است و اسلام برای اصلاح نظام خانواده و ایجاد تعادل این امرها را صادر کرده است و بسیاری از شبهاتی که غربیان و دشمنان اسلام در این رابطه وارد می‌کنند، به دلیل عدم احاطه علمی به جوانب امر است و جوامع غربی خود بسیاری از این عوارض مصون نبوده و چه بسیار زنانی که مورد آزار و اذیت جسمی و جنسی واقع می‌شوند (اخوان، بی‌تا)؛ بنابراین تذکر زبانی و عاطفی و در نهایت تنبیه بدنی در دنیا از قوانینی است که به صورت طبیعی در مواردی اعمال می‌شود که وظیفه‌ای به انجام نرسد یا قانونی زیر پا نهاده شود و حتی در مواردی مجازات‌های شدیدتر اجتماعی به کار می‌رود که خداوند متعال در نظام خانواده به همین حد بسنده کرده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

شبهه‌ای که در مورد زدن زنان وارد می‌شود در روایات مطرح شده که باید در حدی باشد که زخم و کبودی ایجاد نکند و گاه در مورد افرادی به کار می‌رود که دچار بیماری مازوشیسم هستند که افراد آزارطلب تا تنبیه بدنی نشوند، به آرامش نمی‌رسند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۸، ۴۱۳/۳) و اسلام تنها در موارد اضطراری اجازه این امر را می‌دهد و به محض اصلاح امر از آن منع می‌کند.

نتیجه‌گیری

خداوند متعال در برابر وظایفی که بر عهده شوهران نهاده است، حقوقی را برای ایشان بر گردن زنان قرار داده است.

۱. یکی از این حقوق وجوب اطاعت زن از همسر است که این خصوصیت فرمان‌برداری در بانوان صالح یافت می‌شود. «صلاح» نزد غالب مفسران به معنای شایسته، صالح، مطیع و فرمان‌بر بودن بوده و از نظر علامه به معنای لیاقت نفس و پاکروانی زن است که از حیث تجرد به اصل ذات بازمی‌گردد. صفت دیگر بانوان، «قنوت» است که در برابر نشوز و برتری‌طلبی قرار دارد و «قنوت»، نزد غالب مفسران به معنای اطاعت زن از خداوند متعال و در راستای آن اطاعت از همسر است که علامه آن را همراه با خضوع دانسته است؛ بنابراین لیاقت نفس بانوان شایسته در فرمان‌بر بودن از همسر در راستای امر الهی نهفته است که در سه حیطه نگرش، گرایش و رفتار موجب نهادینه شدن این صفات در بانوان و تسری آن به جامعه خواهد شد.

۲. حق دیگر شوهر بر زن، حفاظت اسرار مرد توسط همسر است که نزد غالب مفسران شامل حفظ ناموس، اموال، اولاد و... بوده و علامه نیز به حفاظت زن نسبت به تمتع جنسی و اموال شوهر اشاره کرده که بر اساس قرینه قوامیت مردان بر زنان حاصل می‌شود. در نظر مفسران این حفاظت می‌تواند چندجانبه باشد؛ از قبیل حفاظت توسط خداوند متعال میان زن و شوهر به صورت طرفینی، به اینکه هر یک وظایف

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

خود را عمل کرده و به حقوق همدیگر احترام بگذارند. علامه طباطبایی حفظ حقوق مردان را به حفظ خداوند دانسته که سرپرستی زنان را به مردان واگذار نموده است. این امر مبتنی بر سنت الهی زوجیت است که موجب حفظ نظام بشری و صلاح آن می‌گردد.

۳. موجبات حفظ خانواده، از اموری است که با قوامیت مرد و معاونت زن به دست می‌آید و این امر با برتری‌طلبی نکردن زن حاصل می‌شود به اینکه مرد و زن به وظایف خویش عمل کرده و حقوق یکدیگر را رعایت کنند. در صورت بیم شوهر از نافرمانی زن، باید شوهر زمینه‌های نافرمانی را از بین برده و با مقدماتی از جمله نصیحت و تحت تأثیر قرار دادن احساسات همسر در بستر او را به صلاح دعوت کند و این دعوت نباید با بدزبانی همراه باشد. اغلب مفسران عبارت «و اهجروهن» را به معنای هجر در کلام یا بستر و عدم آمیزش جنسی معنا کرده‌اند، ولی علامه آن را پشت‌کردن به همسر در بستر معنا کرده است. اگر این راهکارها مؤثر نیفتاد، وارد مرحله عملی شده و بدون شدت عمل که به شکل زدنی غیر آسیب‌زاست، موجبات اصلاح رفتار زن را فراهم آورد و در صورت اثربخشی، هرگونه زیاده‌روی از سوی مرد ممنوع بوده و خداوند متعال برای برحذر داشتن مرد از زیاده‌روی، بزرگی خود را مقابل عملکرد مرد به نمایش گذاشته و این امر را یکی از اعتبارات جامعه اسلامی قرار داده تا نظام خانواده به نحو صحیح حفظ شود.

بنابراین پایه و اساس زندگی را باید بر همان بنیانی بنا نهاد که خداوند قرار داده و از مهر و عطوفت به عنوان شالوده‌های اساسی آن استفاده نمود و با همراهی و همگامی با یاد خدا و در راه خدا از توانایی‌های مرد و زن در رسیدن به سعادت واقعی در پرتو احکام الهی بهره برد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

منابع

- **قرآن کریم**
- **قرآن کریم، ترجمه المیزان.**

۱. ابی جامع العاملی، علی بن الحسین، ۱۴۱۳ق، **الوجیز، فی تفسیر القر آن العزیز**، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول.

۲. اخوان، منیره، «**نقض حقوق زنان در غرب**»، فصلنامه تحققی حقوق بشر.

۳. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

۴. آلوسی بغدادی، محمود، ۱۴۰۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم.

۵. باستانی، سوسن؛ حیدرزاده، زهرا، «**بررسی جایگاه زنان در اندیشه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: دوگانه زن آسمانی- زن زمینی**»، مطالعات اجتماعی ایران، سال هفتم پاییز ۱۳۹۲، شماره ۳ (پیاپی ۲۳)، صص۳- ۲۴.

۶. جابری عربلو، محسن، ۱۳۶۲ش، **فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی**، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.

۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۶، **زن در آیینه جمال و جلال**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام، چاپ اول.

۹. حسینی بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ق، **تفسیر البرهان**، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول.

۱۰. حقی بروسوی، شیخ اسماعیل، ۱۹۸۵م، **روح البیان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۱. حویزی عروسی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵، **نور الثقلین**، تصحیح: هاشم رسولی، ایران- قم: اسماعیلیان.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، لبنان: دار الشامیه.

۱۳. رحیمی خوزوقی، احسان؛ سپهری، مهدی؛ «**تبیین هستی و چیستی انسان، از منظر اندیشه‌های علامه طباطبایی**»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی، حکمت صدرایی، سال ششم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص۸۷- ۱۰۵.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، **تفسیر الکشاف عن حقائق الغوامض التنزیل و عیون التأویل فی وجوه التأویل**، لبنان: دار الکتب العربی.

۱۵. سیوطی، الدر المنثور، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالماثور**، ایران: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

۱۶. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۲ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۹ق، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، لبنان: دار المعرفة.

۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی.

۲۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۱۱ق، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، مرکز نشر اعلام الاسلامی، چاپ سوم.

۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۹ق، **تفسیر الصافی**، تحقیق: السید محسن الحسین الامینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۳. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۸، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۳ش، **الجامع لاحکام القرآن**، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی.

۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، قم: مؤسسه دار الکتابة و النشر.

۲۶. مراغی، احمد مصطفی، ۱۹۸۵م، **تفسیر مراغی**، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی.

۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، **نظام حقوق زن در اسلام**، قم: انتشارات صدرا.

۲۸. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، **تفسیر مقاتل**، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۸ش، **تفسیر نمونه**، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

۳۰. ملا فتح‌الله کاشانی، ۱۳۴۴ش، **منهج الصادقین فی إلزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی اسلامیه.

۳۱. هاشمی شاهرودی، محمود، ۱۴۲۶ق، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، مرکز پژوهشهای فارسی الغدیر، چاپ اول.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]